



● صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
● مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
● رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
● مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان
● سردبیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
● سردبیر ایران ورزشی: علی جواد
● تلفن: ۰۲۱-۸۸۵۴۱۱۳۳ نمابر: ۸۴۷۱۱۷۳۳
● چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۴۱۳۰۵ - ۸۸۷۴۶۵۸۳۳
● امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۷۴۱۹۵۴ - ۸۸۵۲۱۹۵۴
● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
● صندوق پستی: ۵۳۳۸۸-۱۵۸۷۵

۴ مسیر، ۴ درس متفاوت

ژاین نشان داد که می‌توان در نخستین فرصت پس از یک تورنمنت بزرگ، از نمادهای نسل قبل عبور کرد و میانگین سنی را بیش از ۳۰ سال کاهش داد. اسپانیا ثابت کرد که سپردن پست‌های کلیدی به ۱۸ و ۱۹ ساله‌ها در بازی‌های حذفی، اگر با انسجام و تداوم

همراه شود، می‌تواند به قهرمانی جهان منتهی شود. فرانسه الگوی چرخش آرام و مدیریت‌شده را ارائه داد که در آن نسل جدید در کنار ستاره‌های فعلی مسئولیت می‌گیرد و ایتالیا هشداری برای همه داشت، که اگر جوانگرایی به آخرین گزینه تبدیل شود، هزینه‌ای

بسیار سنگین‌تر از تصمیم زودهنگام خواهد داشت. در برابر این ۴ تصویر، پرسش از تیم ملی ایران دیگر یک بحث رسانه‌ای نیست؛ یک پرسش ساختاری است. وقتی ژاین در نخستین اردوی پس از جام جهانی، ناگاکتو و یوشیدا را کنار می‌گذارد، اسپانیا در فینال جام جهانی

به یک مدافع ۱۹ ساله میدان می‌دهد، می‌سپارد و ایتالیا پس از ۳۰ سالگی پیاپی دست به «انقلاب» می‌زند، «جوانگرایی» دیگر یک واژه اختیاری نیست. معیار سنجش آن، نه مصاحبه، بلکه فهرست نفرات و دقایق بازی است.

آمارها در برابر ادعای تغییر نسل؛ جوان‌ها چه سهمی از تیم ملی دارند؟

نسل جدید همچنان در اتاق انتظار

گزارش ویژه

محمدرضا رحیم‌پور

خبرنگار

امیر قلعه‌نویی، سرمربی تیم ملی فوتبال ایران، بار دیگر در پاسخ به انتقادهای درباره میانگین سنی بازیکنان تیمش بر «جوان‌گرایی» و «تغییر نسل» تأکید کرده است: «ما خوشبختانه هم تغییر نسل داده‌ایم و هم جوان‌گرایی کرده‌ایم؛ شاید بعضی‌ها نخواهند این موضوع را ببینند، اما ما نمی‌توانیم کاری انجام دهیم.»

این پاسخ، دفاع صریح سرمربی از عملکرد خود است، اما جوان‌گرایی را نمی‌توان تنها با یک جمله اثبات کرد. معیار ارزیابی این سیاست، ترکیب اصلی، تعداد بازیکنان جوان و دقایقی است که آنها در مسابقات مهم به دست آورده‌اند. آمارهای منتشرشده درباره تیم ملی ایران، پرسش‌هایی جدی درباره فاصله میان ادعای جوان‌سازی و واقعیت ترکیب تیم ایجاد می‌کند.

وعده جوان‌سازی؛ معیار سنجش کجاست؟

قلعه‌نویی پس از جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۳ از جوان‌کردن ۶۰ درصد ترکیب تیم ملی سخن گفته بود. اکنون این پرسش مطرح است که چنین وعده‌ای تا چه اندازه محقق شده و نسل تازه فوتبال ایران چه سهمی از مسئولیت‌های اصلی تیم ملی دارد.

طبق آمار نقل‌شده، میانگین سنی بازیکنان ایران در مرحله مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۶، ۳۰٫۹ سال بوده است. همچنین میانگین سنی ترکیب اصلی ایران در دیدار برابر بلژیک، ۳۲ سال و ۱۸۱ روز گزارش شده؛ ترکیبی که طبق گزارش مورد استناد، مسن‌ترین ترکیب آغازین ثبت‌شده در جام‌های جهانی از سال ۱۹۶۶ محسوب می‌شود. همچنین گفته شده است که ۱۶ بازیکن از فهرست ۲۶ نفره ایران ۳۰ سال یا بیشتر سن داشته‌اند.

البته تجربه بازیکنان به‌خودی‌خود نقطه‌ضعف نیست و حضور نفرات باتجربه می‌تواند در مسابقات پر فشار تعیین‌کننده باشد. مسأله زمانی شکل می‌گیرد که حفظ این تجربه، فرصت رشد و تثبیت جایگاه نسل تازه را محدود کند. اگر هدف، ساختن تیمی برای رقابت‌های پیش‌رو و آینده باشد، باید نشانه‌های این تحول در ترکیب و عملکرد تیم دیده شود.

اسپانیا: اعتماد به ۱۹ ساله‌ها، در سخت‌ترین لحظه

اسپانیا مسیر متفاوتی را طی کرد، اما نتیجه مشابهی گرفت. لوپیس دلافوئنته پس از جام جهانی ۲۰۲۲، به‌جای تکیه بر نفرات باتجربه‌ای که سال‌ها ستون «لا روخا» بودند، به‌تدریج نقشی محوری را به نسلی سپرد که از آکادمی‌هایی چون لاماسیا بیرون آمده بودند. این سرمایه‌گذاری در پیرو ۲۰۲۴ به بار نشست و در جام جهانی ۲۰۲۶ به اوج رسید. بازترین نمونه، ترکیب مرحله یک‌هشتم نهایی برابر اتریش بود. دلافوئنته، لامین یامال ۱۸ ساله و پائو کوبارسی ۱۹ ساله را همزمان از ابتدا به میدان

تغییر نسل در تیم ملی به تعویق افتاده است

کریکندی: دعوت از جوان‌ها، جوانگرایی نیست!



جوانگرایی واقعی عقب بیفتد. با این که چندین بازیکن چند دوره جام جهانی را تجربه کرده‌اند اما همچنان جایگزین مشخصی برای آنها نداریم. در حالی که بسیاری از کشورها پس از پایان جام جهانی برای چهار

سال آینده برنامه‌ریزی می‌کنند و تغییر نسل را در دستور کار قرار می‌دهند، ما به دلایل مختلف این موضوع را عقب می‌اندازیم. ما با اشاره به عملکرد ازبکستان و تفاوت رویکرد این تیم در استفاده



تجربه داخلی؛ نگاه به تیم کی‌روش

در فوتبال ایران نیز می‌توان به تیم ملی تحت هدایت کارلوس کی‌روش در آستانه جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۵ اشاره کرد. میانگین سنی تیم، طبق آمار نقل‌شده، از حدود ۲۸ سال در جام جهانی ۲۰۱۴ به ۲۵٫۸ سال پیش از جام ملت‌ها کاهش یافت. بازیکنانی مانند رامین رضاییان، وحید امیری و مرتضی پورعلی‌گنجی نیز فرصت حضور در ترکیب اصلی را پیدا کردند. البته شرایط آن دوره با وضعیت امروز یکسان نیست و مقایسه مستقیم دو تیم، بدون توجه به تفاوت نسل بازیکنان و نیازهای فنی، منصفانه نخواهد بود. با وجود این، تجربه آن

تیم یادآور می‌شود که جوان‌سازی زمانی معنا پیدا می‌کند که بازیکنان تازه‌وارد از گزینه‌های جایگزین به اعضای مؤثر تیم تبدیل شوند.

جوان‌گرایی با آمار سنجیده می‌شود، نه با شعار

میانگین سنی بالا به‌تنهایی ثابت نمی‌کند که هیچ تغییری در تیم ملی رخ نداده است؛ همان‌طور که دعوت از چند بازیکن جوان نیز برای اثبات موفقیت سیاست جوان‌سازی کافی نیست. معیار اصلی، میزان مشارکت این بازیکنان، سهم آنها از دقایق بازی و مسئولیت‌هایی است که در مسابقات مهم برعهده می‌گیرند. انتقاد از عملکرد قلعه‌نویی نباید به مطالبه کنارگذاشتن بازیکنان باتجربه



از بازیکنان جوان ادامه داد: «مثلاً تیم ملی ازبکستان پیشرفت محسوسی داشته است. این تیم با حضور فابیو کاناورو و کنار گذاشتن برخی بازیکنان صاحب‌نام، به نیروهای جوان‌تر میدان داده و از انگیزه و شادابی بیشتری برخوردار شده است. چنین تغییراتی نشان می‌دهد که برای پیشرفت، باید به بازیکنان تازه فرصت داد و از تغییر نسل نترسید.»

این مربی فوتبال در ارزیابی دیدار ایران و ازبکستان، به اشتباهات فردی بازیکنان در صحنه‌های منجر به گل حریف اشاره کرد. ایران با گل به خوبی جهانگیر اوروزوف در دقیقه ۴۹ به بازی برگشت، اما الدار شومرودوف در دقیقه ۵۸ از روی نقطه پنالتی گل دوم ازبکستان زد. به‌رغم رساندن و خوساین نورجائف نیز در وقت‌های تلف‌شده گل سوم را وارد دروازه ایران کرد. کریکندی اشتباه منجر به حواصی در ارسال توپ، خطای منجر به پنالتی و جا ماندن شجاع خلیل‌زاده در



ژاین: بریدن از نمادها، در نخستین گام

واکنش ژاین به جام جهانی ۲۰۲۲، سریع‌ترین و بی‌پرده‌ترین نمونه در این میان بود. در نخستین فهرست پس از آن تورنمنت، در اسفند ۱۴۰۱، هاجیمه موریاسو ۱۰ نفر از ۲۶ بازیکن جام جهانی را کنار گذاشت و ۴ بازیکن را برای نخستین بار دعوت کرد. مهم‌تر از تعداد تغییرات، هویت نفرات کنار گذاشته‌شده بود؛ یوتو ناگاکتو (۳۶ ساله) و مایا یوشیدا (۳۴ ساله)، ۲ ستون باتجربه و نمادهای تیم ملی، از فهرست خارج شدند. نتیجه عددی این تصمیم، فوری بود، میانگین سنی فهرست از ۲۷٫۸ سال در جام جهانی قطر به ۲۴٫۵ سال در نخستین اردوی پس از آن رسید؛ کاهش بیش از ۳ سال در یک گام. ژاپنی‌ها «صبر نکردند» تا نسل جدید به‌تدریج جایگزین شود؛ آنها نسل قدیم را در همان نخستین فرصت از معادله خارج کردند.

این مسیر در سال‌های بعد نیز ادامه یافت. در جام جهانی ۲۰۲۶، میانگین سنی فهرست ۲۶ نفره ژاین در روز افتتاحیه ۲۷٫۱۹ سال بود؛ چهارمین فهرست جوان تاریخ این کشور در جام‌های جهانی. در نخستین اردوی پس از آن جام نیز میانگین سن ۳۱ بازیکن دعوت‌شده به ۲۵٫۷۴ سال رسید و بازیکنانی مانند ریونسو ماتسوسکی و سایر نفرات جوان به چرخه اضافه شدند. ژاین نشان داد که «تغییر نسل» می‌تواند در کوتاه‌ترین زمان ممکن آغاز شود، به شرط آنکه سرمربی حاضر باشد هزینه کنار گذاشتن نام‌های آشنا را بپردازد.

فرانسه: چرخش آرام، بدون گسست

فرانسه یکی از معدود تیم‌هایی است که پس از جام جهانی ۲۰۲۲، «جوانگرایی» را نه به‌صورت انقلابی، بلکه به‌شکل یک چرخش مدیریت‌شده اجرا کرد. دیدیه دشان پس از فینال قطر، تیم را با ترکیبی از ستاره‌های تثبیت‌شده و استعدادهای جوان بازسازی کرد. در فهرست ۲۶ نفره فرانسه

برای جام جهانی ۲۰۲۶، ۲۰ بازیکن زیر ۳۰ سال حضور داشتند.

تغییرنمادین اما معنادار، در درون دروازه و بازوبند کاپیتانی رخ داد، هوگو لوریس، دروازه‌بان و کاپیتان باسابقه، جای خود را به مایک ماینان داد و بازوبند به کیلیان امباپه رسید. این انتقال، بدون حاشیه و با پذیرش نسل قدیم انجام شد.

در سطح فردی، فرانسه به‌طور فعال نفرات جدید را آزمون داد. وارن زائیر-امری در ۲۰ سالگی در ترکیب مرحله حذفی حاضر شد و دزیره دونه در ۲۱ سالگی از ابتدا به میدان رفت. در فهرست ۲۰۲۶، نام‌هایی چون مایکل اولیسه، ریان شرکی و دونه در کنار امباپه و عثمان دمبله، ترکیبی از تجربه و جوانی را شکل دادند که فرانسه را تا رده چهارم جهان پیش برد. فرانسه نشان داد که «تغییر نسل» لزوماً به معنای کنار گذاشتن یک‌باره همه باتجربه‌ها نیست؛ می‌تواند انتقالی باشد که در آن نسل جدید در کنار ستاره‌های فعلی رشد می‌کند، به شرط آنکه مسئولیت‌های واقعی به آنها سپرده شود.

ایتالیا: جوانگرایی به‌عنوان آخرین راه نجات

ایتالیا تفاوت بنیادین با ۳ مورد قبلی دارد، جوانگرایی در این کشور نه یک انتخاب راهبردی از موضع قدرت، بلکه واکنشی اجباری به یک چالش وجودی بود. ایتالیا برای سومین بار متوالی از صعود به جام جهانی بازماند.

پس از این شکست، روزنامه کوریره دل‌اسرا از یک «انقلاب» خبر داد. کنار گذاشتن بازیکنان ۳۰ ساله‌ای مانند پولیتانو، اسپیناتزولا و کریستانته، و سپردن تیم به «نسل Z» بازیکنانی که از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد متولد شده‌اند.

در رأس این نسل، پپو اسپوزیتو (متولد ۲۰۰۲) قرار دارد که حتی پیش از این تصمیم نیز زیر

نظر جنارو گاتوزو فضای برای خود دست‌وپا کرده بود. نام‌هایی چون مارکو پالسترا، نیکولو پیسیلی، مایکل کابوده و داویده بارتزاگی نیز به‌عنوان ستون‌های آینده معرفی شده‌اند.

نکته تلخ در تجربه ایتالیا این است که این کشور دیر به سراغ جوانگرایی رفت. اسپالتی، سرمربی پیشین، در سال ۱۴۰۲ پیشنهاد کرده بود که هر باشگاه سری آ موظف باشد حداقل یک بازیکن زیر ۱۹ سال را در ترکیب خود قرار دهد، پیشنهادی که نشان‌دهنده عمق عقبنامدگی حاضر در فوتبال ایتالیا در پرورش و میدان‌دادن به جوانان بود. ایتالیا در نهایت مجبور شد با «انقلاب» به استقبال جوانگرایی برود، اما این انقلاب از سراجبار بود، نه از سر بینش.

